





## فلسفه و مدیریت پروژه!

چطور فلسفه را با مدیریت پروژه ترکیب کنیم؟! با استفاده از دو مفهوم که آن‌ها را «**مشکل اول**» و «**مشکل اصلی**» می‌نامیم. مفهوم را از فلسفه می‌گیریم و کاربرد را در مدیریت پروژه جستجو می‌کنیم. خوب حالا این مشکل اول و مشکل اصلی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا سری به فلسفه می‌زنیم.

### اصلی و فرعی در فلسفه

از نظر یک فیلسوف مفاهیم مرتبط به هم در یک حوزه، به دو دسته **اصلی** و **فرعی** تفکیک می‌شوند. عده‌ای معتقدند که وجود اصل است و سایر مفاهیم فرع. به این باور اصالت وجود و یا اگزستانسیالیسم گفته می‌شود. عده‌ای هم معتقدند که اصل همه‌چیز ماده است. این عقیده اصالت ماده یا **متریالیسم** نام دارد. هر انسانی هم برای خود، به اصل‌ها و فرع‌هایی قائل است. به‌عنوان مثال، من به **اصالت پرسش** معتقدم که بعداً راجع به آن خواهم نوشت.

### مدیریت پروژه

حالا نوبت دانش مدیریت پروژه است. به شکل بسیار ساده، در مدیریت پروژه ابتدا یک کار بزرگ (پروژه) را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم. سپس، رابطه هر یک از این بخش‌های کوچک را با سایر بخش‌ها تعیین می‌کنیم. آنگاه مشخص می‌کنیم که کدام را در ابتدا پیش برده و سپس سراغ کدام

بخش برویم. در آخر هم پیشرفت هریک از این بخش‌ها را اندازه می‌گیریم. برای تعیین پیشرفت کل پروژه تا یک مقطع مشخص زمانی، مقدار پیشرفت هر فعالیت را با پیشرفت سایر فعالیت‌ها جمع می‌کنیم.

مسئله اینجاست که ارزش هر کار کوچک (فعالیت) لزوماً با فعالیت‌های دیگر برابر نیست. به همین دلیل، به هر فعالیت یک معیار اهمیت) ارزش وزنی (اختصاص می‌دهیم. پیشرفت هر فعالیت را در ارزش وزنی آن ضرب می‌کنیم. نتیجه حاصل را با پیشرفت سایر فعالیت‌ها جمع و پیشرفت کل کار (پروژه) را محاسبه کنیم.



## پروژه زندگی

به بحث اصلی برگردیم. زندگی یک پروژه بزرگ است که از ریز پروژه‌هایی (subproject) تشکیل شده است. ریز پروژه‌هایی مانند اهداف و رؤیاهایی که ما برای خودمان تعریف می‌کنیم. به نظر شما چرا بیشتر مردم در زندگی به خواسته‌ها و رؤیاهایشان نمی‌رسند؟! چرا انسان‌ها با علم ایجاد تغییر برای رسیدن به آرزوهایشان، هیچ‌وقت این کار را انجام نمی‌دهند؟! و در صورت اقدام نیز، اکثریت به نتیجه دلخواهشان نمی‌رسند?!

حال به معرفی مفاهیم مربوط به تلفیق فلسفه و مدیریت پروژه می‌پردازیم.

## اول یا اصلی؟

«مشکل اول»: هر عاملی که باعث شده نتوانید پروژه یا کار بزرگی که دوست داشته‌اید را تاکنون شروع کنید، «مشکل اول» می‌نامیم. توجه کنید که شاید دلایل متعددی باعث شده که نتوانید کارتان را شروع کنید. با این وجود، برای سادگی مطلب همچنان به آن‌ها «مشکل اول» می‌گوییم. به زبان مدیریت پروژه مشکل اول فعالیتی است که تا انجام نشود پروژه شروع نخواهد شد. این در واقع همان **قدم اولی** است که هیچ سفری بدون آن آغاز نمی‌شود.

«مشکل اصلی»: خب حالا ببینید همیشه بزرگ‌ترین ترس یا نگرانی شما در مورد انجام آن کار بزرگ چه بوده؟ شاید توان شروع کار را داشته‌اید اما می‌ترسید نتوانید از پس یک مرحله خاص و پیچیده آن برآیید. در حقیقت مشکل اصلی **مهم‌ترین و سخت‌ترین** یا شاید **پرهزینه‌ترین و یا طولانی‌ترین** فعالیت هر پروژه است. دقیق‌تر بگوییم: «مشکل اصلی فعالیتی است که بزرگ‌ترین ارزش وزنی را دارد.»

## اصالت مشکل اصلی

شاید تا به اینجا متوجه شده باشید که چطور می‌خواهم فلسفه را به مدیریت پروژه پیوند بدهم. بله! **اصالت با مشکل اصلی** است.

دلیل انجام نشدن هر پروژه این است که شما گاهی آگاهانه و در بیشتر موارد ناخودآگاه، شک داشته‌اید که آیا از پس **فعالیت اصلی** آن برمی‌آیید یا خیر. برای همین هیچ‌وقت از مرز مشکل اول عبور نکرده‌اید.

در واقع شما به خاطر ترس از قدم اصلی، قدم اول را بر نمی‌دارید. برای مثال شما ممکن است بدانید چطور یک دامین ثبت کنید. شما ممکن است بتوانید وبسایت خود را راه‌اندازی نمایید. با این وجود، هیچ‌وقت صاحب وبسایت شخصی خود نشده‌اید. چرا؟! چون شک دارید که از پس فروش آنلاین آن برخوردار شوید یا خیر. شما می‌دانید تا وقتی واحد درسی خاصی (که آن را مشکل می‌پندارید) را نگیرید و پاس نکنید عملاً، فارغ‌التحصیل نمی‌شوید ولی چون مطمئن نیستید از پس محاسبات یک یا چند بخش آن برمی‌آیید یا خیر تا حد امکان گرفتن این واحد و در نتیجه فارغ‌التحصیل شدن‌تان را به تأخیر می‌اندازید.

## فقط شروع‌کننده نباشید!

مرحله اول جهت موفقیت در هر کاری **شناسایی مشکلات اصلی** است، اما در کمال تعجب می‌بینیم اکثر آدم‌های شکست‌خورده تنها برای هر کاری، راجع به کارهای آغازین (مشکل اول) به کسب اطلاعات و تجربه می‌پردازند. این چنین است که پس از سپری شدن فاز آغازین آن کار بزرگ، کم‌کم مشکلات اصلی نمایان می‌شوند. به‌ناچار، چنین افرادی در همین مرحله متوقف شده و به فکر رها کردن پروژه (کار فعلی) و پیدا کردن یک **شروع جدید** می‌افتند.

برای متحول کردن زندگی خود لازم است تصمیم بگیرید. از امروز به جای شروع کننده، تبدیل به یک **تمام کننده خوب** شوید. برای رسیدن به این نتیجه، در هر کار یا پروژه بزرگ مشکل اصلی را پیدا کنید. راجع به آن اطلاعات کامل کسب کنید. با افرادی که از پس آن برآمده اند صحبت کنید و راهکارهای ابداعی آنها را جویا شوید. در یک کلام، خود را برای مواجه شدن با آن مرحله آماده کنید. سپس بی درنگ اقدام کنید، قدم اول را بردارید و بعد سراغ مسئله یا مسائل اصلی بروید.